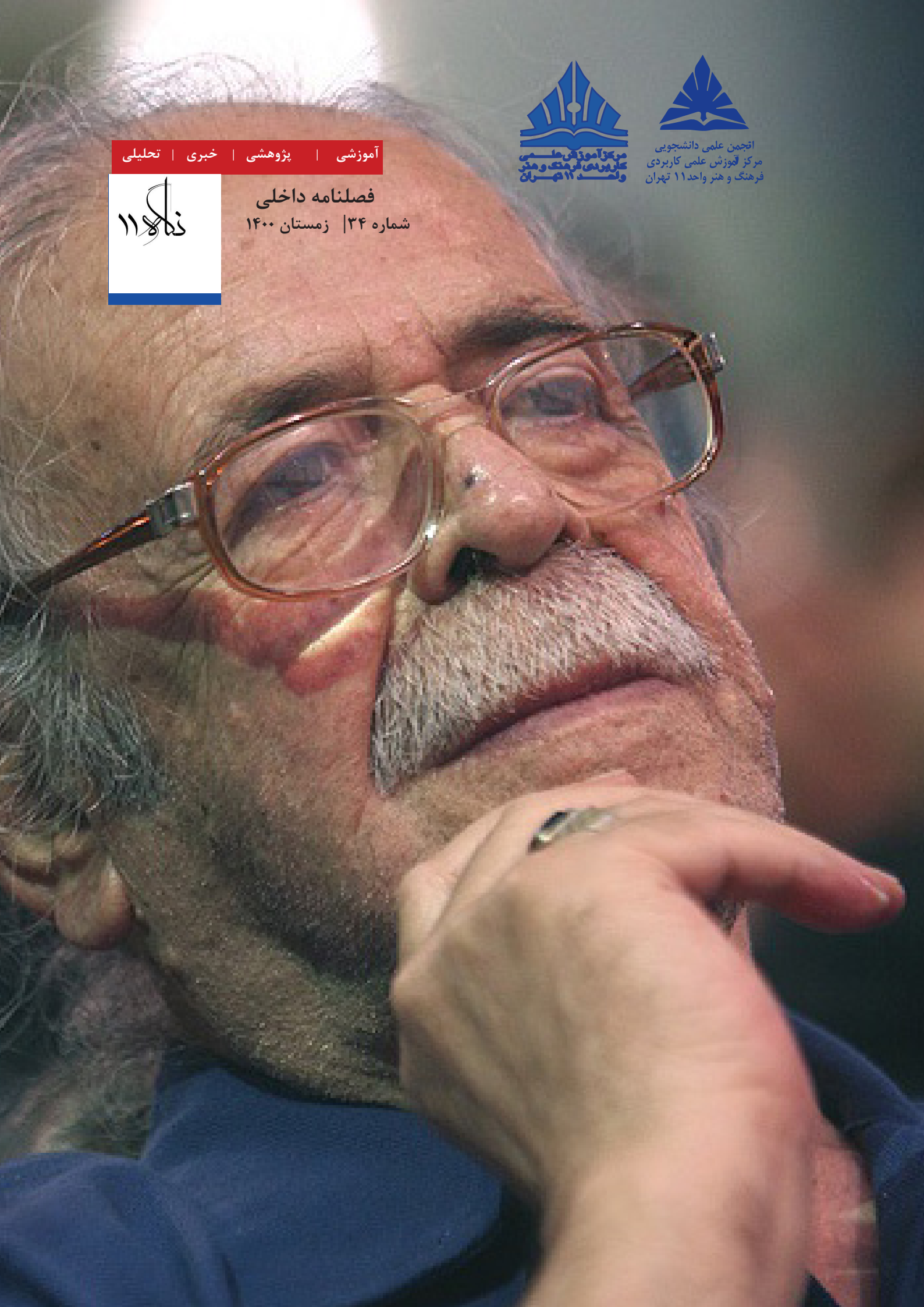




آموزشی | پژوهشی | خبری | تحلیلی

دانش

فصلنامه داخلی
شماره ۳۴ | زمستان ۱۴۰۰



فصلنامه داخلی نگاه ۱۱

آموزشی | پژوهشی | خبری | تحلیلی

شماره ۳۴ | زمستان ۱۴۰۰



انجمن علمی دانشجویی
مرکز آموزش علمی کاربردی
فرهنگ و هنر واحد ۱۱ تهران



مرکز آموزش علمی
کاربردی فرهنگ و هنر
واحد ۱۱ تهران

سخن سردبیر

معرفی اولین گارگردان سینمایی ایران

معرفی فیلم سینمایی

پوستر قیلم

بیگرافی زنده یاد محمد علی کشاورز

برگزاری جشنواره نمایش خوانی در واحد ۱۱

آشنایی با گریمرهای معروف سینمای ایران

اخبار سینمایی مرکز

فصلنامه داخلی نگاه ۱۱

زمستان ۱۴۰۰

شماره مجوز انتشار نشریه کارآفرینی ۱۱: ۹۷/۱۰/۰۹/۱۳۵

زمینه فعالیت: انجمن علمی دانشجویی کارگردانی

سردبیر: جعفر نجفی

مدیر مسئول: آرش سپاس مقدم

مدیر هنری و طراح گرافیک: مهسا قادری

اعضا تحریریه: محمود هنرمند، فرشاد یحیایی، غلامرضا
اقایاری، رضا بطحایی

همکاران تحریریه: حمید قاسم زادگان، داریوش نصیری

نشانی: میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی کوچه رشتچی

ساختمان شماره ۱۲، ۱۰، ۸

شماره تماس:

۶۶۴۳۶۰۹۶

www.uastfll.ac.ir

سخن سردبیر

مدتی بود که برای نوشتن مقاله‌ای در باره چند نشریه سینمایی قبل از انقلاب و مقایسه آن‌ها با نشریات بعد از انقلاب به دنبال منبعی می‌گشتم که دارای مشخصات کامل نشریات سینمایی باشد. منبعی که دارای چنین مشخصه‌ای باشد نیافتم. در تمامی کتابشناسی‌های موجود نشریات سینمایی نیز به ترتیب الفبایی فهرست شده‌اند، بنابراین یافتن آن‌ها برای مخاطب دشوار است، ضمن آن که اطلاعات موجود در آن‌ها بسیار مختصر و در حد شناسایی اولیه است. پی‌گیری‌های بعدی منجر به یافتن منابعی شد که علاوه بر فهرست کردن نشریات سینمایی در باره آن‌ها توضیحاتی نیز داده شده بود. از جمله: مرحوم حمید شعاعی سلسله کتاب‌هایی دارد با عنوان «نام آوران سینمای ایران» در سومین مجموعه (منتشر شده در سال ۱۳۵۶) که به معرفی فروغ فرخزاد اختصاص دارد سخن از نشریات سینمایی رفته است. شعاعی در این کتاب، با توجه به این که اکثر نشریات نامبرده شده را در زمان انتشار دیده و خوانده، ضمن توضیحاتی در باره چگونگی شکل‌گیری نشریه، مطالب منتشر شده، سردبیر و غیره، نظرات شخصی خود را نیز بیان کرده است. مسعود مهرابی نیز در کتاب‌های: «تاریخ سینمای ایران» و «کتابشناسی سینمای ایران» در باره بعضی از نشریات سینمایی توضیحات ارزنده‌ای داده است.

اولین کارگردان سینمای ایران که بود؟



اوانس اوهانیانس (اوغانیانس) در سال ۱۲۷۹ در عشق آباد، ترکمنستان و به روایتی در مشهد به دنیا آمد. وی به نام اوانس اوهانیان هم شناخته و معروف است که البته تلفظ درست نام او را بهتر نشان می دهد. اوغانیانس در اسناد معدودی که باقی گذاشته خود را فارغ التحصیل دانشکده تجارت در تاشکند (۱۹۱۹)، حقوق در عشق آباد (۱۹۲۰)، آموزشکده فیلم مسکو (۱۹۲۵)، دکترای سینما (۱۹۳۲)، دکترای علوم (۱۹۴۱) و دکترای طب (۱۹۵۳) معرفی کرده است.

اوغانیانس دست کم از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۸ خورشیدی، یعنی یکی از دوره های شکوفای سینمای شوروی در ترکمنستان، تاشکند و مسکو بود، و احتمالاً فیلم های مهم دوره ۱۹۲۵ شوروی را دیده است. اوانس اوغانیانس (در سال ۱۳۰۸) هنگامی که وارد ایران شد حتی زبان فارسی را نمی دانست. اما به لطف استعداد شگرفش در مدتی بسیار کوتاه فارسی را آموخت.

وی برای تأسیس «مدرسه آرتیستی سینما» تلاش کرد. او پس از جلب موافقت سعید نفیسی، عباس مسعودی، علی وکیلی و چند تن دیگر برای همکاری در ۲۴ فروردین ۱۳۰۹ طی اعلانی از متقاضیان هنرپیشگی خواست که همه روزه جهت ثبت نام به دفتر مدرسه (واقع در خیابان علاءالدوله) مراجعه کنند. رئیس «پروگرام» پنج ماهه مدرسه هنرپیشگی برای دانش آموزان و علاقه مندان پیگیر بدین قرار اعلام شد:



(۱) صنعت آکتری، مطابق آخرین سیستم آمریکا،

(۲) عکاسی

(۳) تکنیک سینما

(۴) آکروباتیک

(۵) ورزش سوئدی

(۶) بوکس

(۷) شمشیربازی

(۸) باله

(۹) رقص شرقی

(۱۰) رقص اروپایی و شنا که به توسط اشخاص بصیر و متخصص تعلیم داده می‌شود.

نخستین فارغ‌التحصیلان «مدرسه آرتیستی» در دی ۱۳۰۹ معرفی شدند، دوره اول مدرسه آرتیستی سینما با پشتکار اوگانیانس شکل گرفته به انجام می‌رسد و پس از گذشت نزدیک به چهار ماه طی آیینی با دعوت از نمایندگان مجلس و جراید نتیجه کوشش و فعالیتش را با به نمایش گذاشتن حرکات ورزشی و انجام نمایش توسط هنرآموزانش به معرض دید و تماشا می‌گذارد. آبی و رابی نخستین فیلم سینمای ایران با ژانر کمدی است که در سال ۱۳۰۹ توسط اوانس اوهانیانس ساخته شد و در روز جمعه ۱۲ دی ۱۳۰۹، ساعت ۲ بعد از ظهر در سینما مایاک به نمایش درآمد. داستان دو شخصیت به نام‌های آبی (محمدخان ضرابی) و رابی (غلامعلی خان سهرابی فرد) است. آبی هنگامی که آب می‌نوشد، شکم رابی باد می‌کند. رابی زیر بوم غلطانی دراز می‌کشد و آبی با پتک بر سر او می‌زند و رابی پهن و کوتاه می‌شود. در رستوران لقانطه، آبی و رابی سفارش مرغ می‌دهند و وقتی قصد خوردن آن را دارند، آن مرغ به پرواز در می‌آید و اما حاجی آقا، آکتر سینما فیلمی کمدی و صامت (در هشت پرده و با میان‌نویس فارسی، روسی و فرانسه) بود، و در ۱۱ بهمن ۱۳۱۲ در سینما رویال (رویال) تهران نمایش داده شد، اما به سبب ضعف صنعتی با اقبال عمومی مواجه نشد. تنها نسخه منحصر به فرد این فیلم در فیلمخانه ملی ایران نگهداری می‌شود. هیچ نسخه‌ای از آن، به دلیل آتش‌سوزی سینما مایاک در ۱۳۱۱ موجود نیست.

اوهانیانس در سال ۱۳۴۰ (۱۹۶۱) در سن شصت و یک سالگی در تهران به گمنامی درگذشت و در گورستان دولاب (قبرستان قدیم ارامنه) تهران به خاک سپرده شد. پس از مرگ نه فقط از او یادی نشد، بلکه به درستی دانسته شد او کیست و در طول حیاتش چه کارهایی کرده‌است.



معرفی فیلم سینمایی

رعایت اصول کلی این الگو، منجر به شکل‌گیری ساختاری شده که فیلم را از پراکندگی و چندپارگی نجات می‌دهد. ضمن این که حادثه محرک (اولین مواجهه نرگس و نسرين) به سرعت (اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم، سه دقیقه بعد از شروع فیلم و یک دقیقه بعد از پایان تیتراژ) اتفاق می‌افتد. نویسندگان فیلمنامه بدون فوت وقت و توضیحات کسل‌کننده به سراغ بحث اصلی می‌روند.

فیلم در بخش شخصیت‌پردازی هم نکات قابل توجهی دارد. با کودکانی روبه‌رو هستیم که قرار نیست مثل آدم‌های بزرگسال رفتار کنند و حتی تصمیمات خطریشان هم کودکانه به نمایش درمی‌آید. یک نمونه‌اش جایی است که نرگس و نسرين به سراغ ثریا می‌روند: اقدامی که از دیدی بزرگسالانه کاملاً غیرمنطقی و چه‌بسا احمقانه به نظر می‌رسد اما از دید کودکان حرکتی درست و به‌جا است. شکل دیالوگ‌نویسی هم به درستی همین وجه را برجسته می‌کند: «ما اومدیم از شما خواهش کنیم که برید برای خودتون یه شوهر دیگه پیدا کنید.» به کودکان فیلم‌های چند سال اخیر سینمای ایران توجه کنید؛ چند فیلم توانسته‌اند کودکانی باورپذیر خلق کنند؟ همچنین می‌توان به تکرار

«خواهران غریب»، فیلم سهل و ممتنعی است از آن دست فیلم‌هایی که می‌توان از دیدنشان لذت برد اما به سادگی از آن‌ها عبور کرد. «خواهران غریب» فیلمی است که خیلی «ساده» به نظر می‌رسد و شاید همین ساده بودن باعث شود که کمتر از لیاقتش جدی گرفته شود. با این وجود، کلیدی‌ترین نکته این است که «خواهران غریب» گذر زمان را تاب آورده و دارد همراه با مخاطبانی که کودکی و نوجوانی خود را با این فیلم گذرانده‌اند.

کیومرث پوراحمد و اصغر عبداللهی، فیلمنامه «خواهران غریب» (اقتباسی از کتابی به همین نام نوشته ایش کستنر) را با رعایت کلیات اصول سه‌پرده‌ای نوشته‌اند. در پرده اول (مقدمه) شاهد معرفی شفاف شخصیت‌های کلیدی و روابطشان، موقعیت و پرسش اصلی دراماتیک هستیم. پرده دوم (گسترش) پس از جابه‌جایی نرگس و نسرين آغاز می‌شود و به گسترش تلاش کودکان برای بازیابی زندگی مشترک والدینشان می‌انجامد و پرده پایانی (نتیجه‌گیری که البته کمی طولانی‌تر از میزان توصیه‌شده در تئوری‌های فیلمنامه‌نویسی به نظر می‌رسد) به جست‌وجوی منصور (خسرو شکیبایی) و ناهید (افسانه بایگان) برای یافتن فرزندانشان و درنهایت رسیدن اعضای خانواده به یکدیگر اختصاص دارد.

به سادگی می‌شد این اشاره‌ها را حذف کرد و در ظاهر لطمه‌ای به فیلم وارد نمی‌شد. اما تأثیر این تمهید، کاهش سطح تنش و حفظ لحن کلی فیلم است. درست در لحظاتی که درگیری میان منصور و ناهید به اوج خود رسیده، تماشای نمایی از خانم‌جان که دارد شرایط حال حاضر را به‌درستی برای کودکان توضیح می‌دهد، خیال ما را راحت می‌کند که همه‌چیز تحت کنترل است! این استراتژی شاید در شرایط عادی (با توجه به تأکید تئورسین‌های فیلم‌نامه‌نویس بر لزوم حفظ حرکت پیش‌رونده در فیلم‌نامه و افزایش سطح تنش در طول اثر) درست به نظر نرسد اما چه کسی گفته که رعایت الگوهای جزئی همیشه به سود فیلم است؟ «خواهران غریب» یک استثنا است و استراتژی فیلم‌نامه‌نویسان به دل می‌نشیند چون سازندگان فیلم از همان ابتدا فضای فیلم را جوری به ما معرفی و فیلم را به گونه‌ای پیش برده‌اند که می‌دانیم قرار نیست زمانی طولانی شاهد تنش‌های فزاینده باشیم و آگاهی خانم‌جان از مسیر حرکت ناهید و منصور، درواقع دارد انتظارات پیش‌ساخته ما را برآورده کرده و همین، حسی از رضایت در تماشاگر ایجاد می‌کند.



برخی از دیالوگ‌های فیلم در قسمت‌های مختلف اشاره کرد که در مواردی بر رابطه صمیمانه شکل گرفته میان دو خواهر تأکید می‌کند («شما چرا دو تا شدین؟ ما دو تا بودیم!») و در مواردی هم شباهت‌های میان منصور و ناهید را مؤکد می‌سازد؛ شباهت‌هایی که بازگشت آن دو به یکدیگر در انتهای فیلم را باورپذیرتر می‌سازد: «یه دختری، یه زنی، یه پیرزنی! باشه واسه بعد!»

اما فیلم نکاتی برای تماشاگر بزرگسال هم دارد. یکی از این نکات، نشانه‌گذاری‌هایی است که شاید برای مخاطب کودک چندان قابل‌درک یا لاقابل‌جذاب نباشد؛ به‌عنوان مثال، منصور خسروی در طول فیلم (چه در رابطه با خانم‌جان، چه ناهید و چه ثریا) درگیر دوگانه زن/مادر است و تنها جایی هم که درگیری (و در لحظاتی، ناتوانی) او را برای خلق ملودی مناسب می‌بینیم، هنگامی است که دارد روی آهنگی با مضمون مادر کار می‌کند. این قبیل نشانه‌گذاری‌ها می‌توانند باعث شوند که «خواهران غریب» در مرتبه‌های بعدی تماشا هم نکات جدیدی برای جلب نظر مخاطبان داشته باشد.

شاید بتوان برخی از مسائل را به‌عنوان ایرادات فیلم‌نامه مطرح کرد. مثلاً پیش رفتن ماجرا عیناً همان‌طور که خانم‌جان (پروین دخت یزدانیان) پیش‌بینی کرده بود کمی ساده‌انگارانه به نظر می‌رسد یا برخی از فرصت‌هایی که برای ایجاد گره‌های جدی و درگیرکننده در فیلم‌نامه به وجود می‌آیند (به‌عنوان مثال ناتوانی نسرين در پیانو زدن) چندان جدی گرفته نشده و به سادگی از آن‌ها عبور می‌شود. اما سازندگان فیلم با یک استراتژی ساده اما حساب‌شده و متناسب، این «ایرادات» ظاهری را به بخش جدایی‌ناپذیری از فیلم تبدیل می‌کنند! به عبارت دیگر، آن‌ها به جای تلاش برای مخفی کردن این نکات، مدام روی آن‌ها تأکید می‌کنند و همین، لحن سرخوشانه‌ای به فیلم می‌دهد که به یکی از ویژگی‌های مثبت «خواهران غریب» تبدیل شده است.

به‌عنوان مثال یکی از صحنه‌های تأثیرگذار فیلم از نظر احساسی، صحنه آشتی‌کنان منصور و نسرين (که منصور او را نرگس می‌پندارد) هنگام پخش ترانه «صد دانه یاقوت» است (یکی دیگر از نشانه‌گذاری‌های درست فیلم؛ ترانه‌ای که به شکلی استعاری نیاز اعضای این خانواده به بازگشت زیر یک سقف را هم یادآوری می‌کند). اما پورا احمد به جای کش دادن این احساس، بلافاصله ایده‌ای کمدی را به تصویر می‌کشد: منصور از نسرين می‌خواهد تا پارتیتور «انار» را برای او بیاورد و نسرين، از سر ناآگاهی، تابلویی نقاشی را با تصویری از زنده‌یاد غلامحسین بنان در کنار یک انار به‌دست منصور می‌دهد! درواقع به جای استفاده از ناآگاهی نسرين برای خلق بحران، پورا احمد و عبداللّهی از آن برای شکستن فضای سنگین فیلم استفاده می‌کنند. نمونه دیگر، تأکید بر این است که خانم‌جان تمام جزئیات در حال وقوع میان منصور و ناهید را می‌داند.

ابوالفضل پور عرب

نیکی کریمی

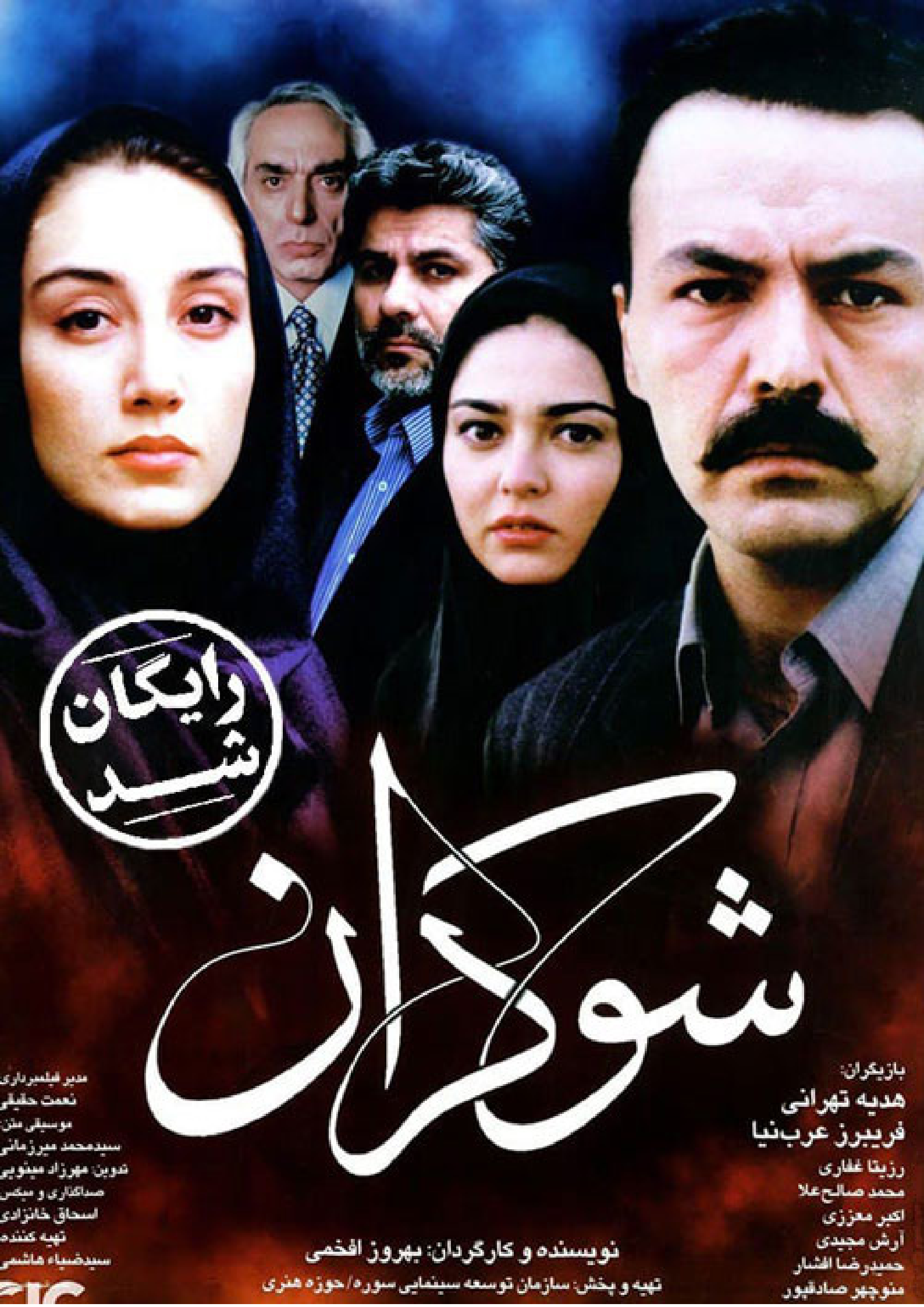
عباس امیری

عروس

فیلمی از: بهروز افخمی

DVD
VIDEO

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
سازمان سینمایی



رایگان
شد

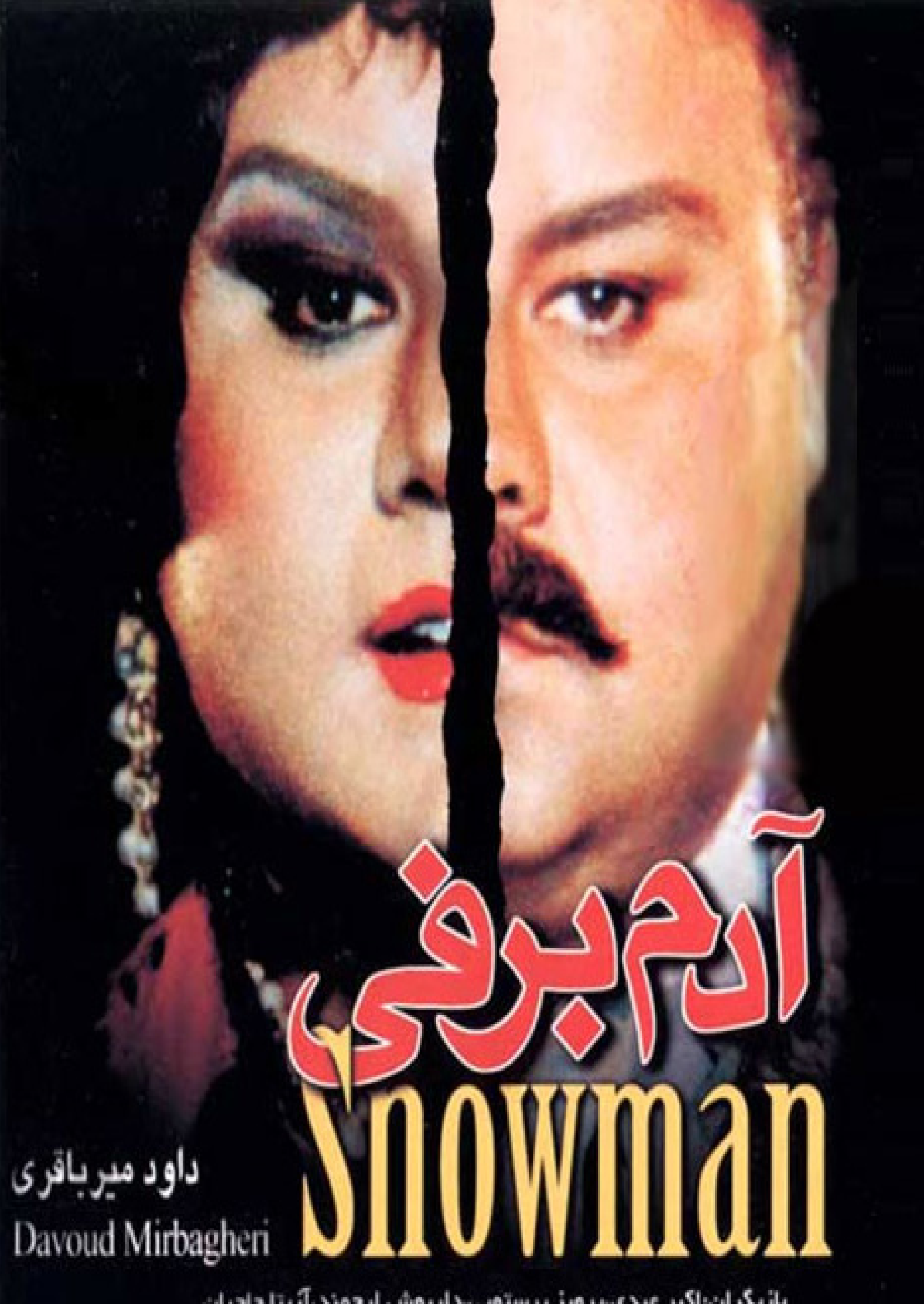
شوگران

مدیر فیلمبرداری
نعمت حقیقی
موسیقی متن:
سید محمد میرزائی
نویسنه: مهرزاد مینوی
صداگذاری و میکس:
اسحاق خانزادی
تهیه کننده:
سیدضیاء هاشمی

نویسنده و کارگردان: بهروز افخمی

تهیه و پخش: سازمان توسعه سینمایی سوره / حوزه هنری

بازیگران:
هدیه تهرانی
فریبرز عرب‌نیا
رزیتا غلاری
محمد صالح‌علا
اکبر معززی
آرش مجیدی
حمیدرضا آشتیانی
منوچهر صادقیپور

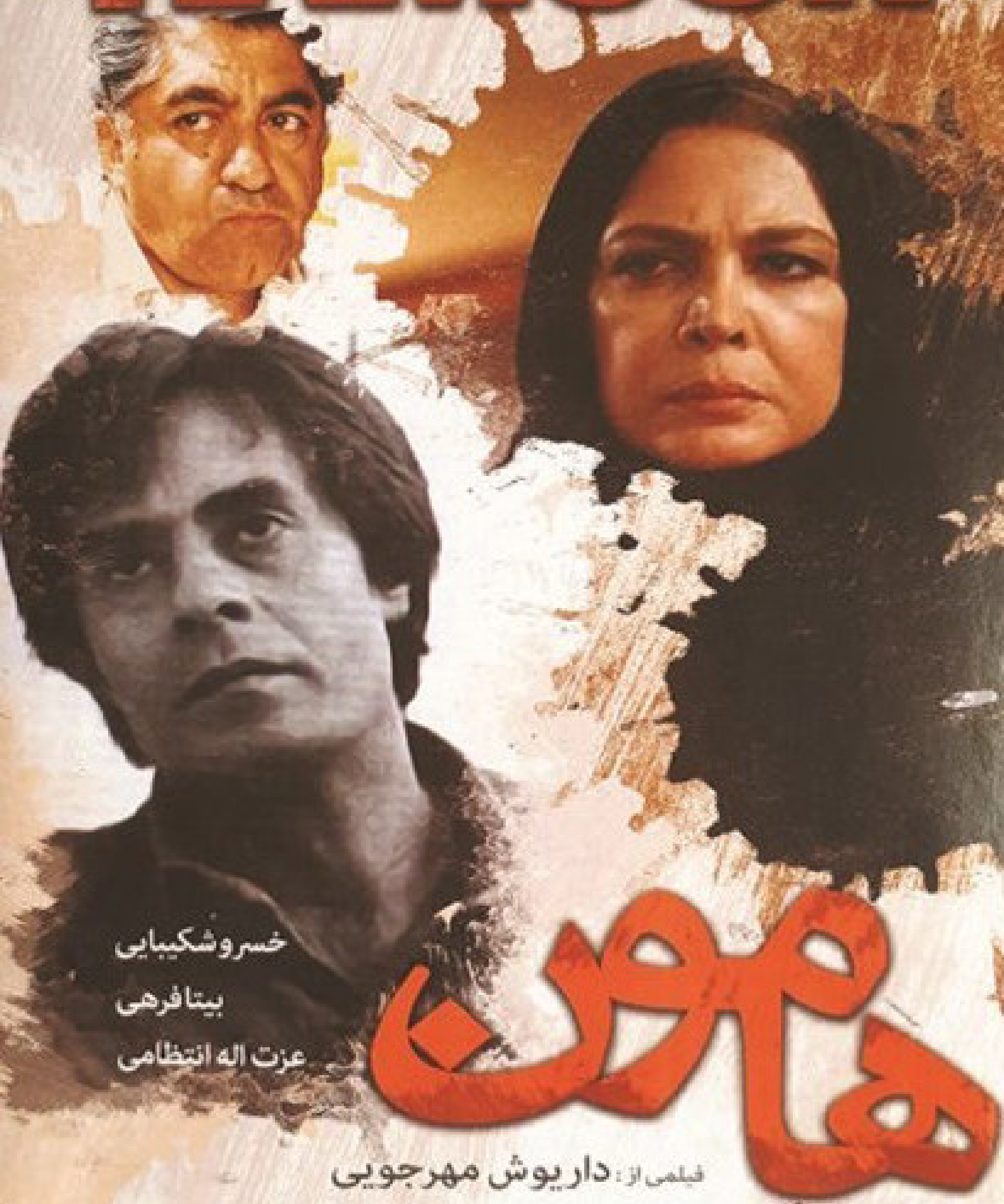


آدم برفی
Snowman

داود میرباقری
Davoud Mirbagheri

پخش کننده: سینما پارسیان - تهران - خیابان ولیعصر - پلاک ۱۳۳ - طبقه اول - روبروی پستخانه

HAMMOON



خسرو شکیبایی

بیتا فرهی

عزت اله انتظامی

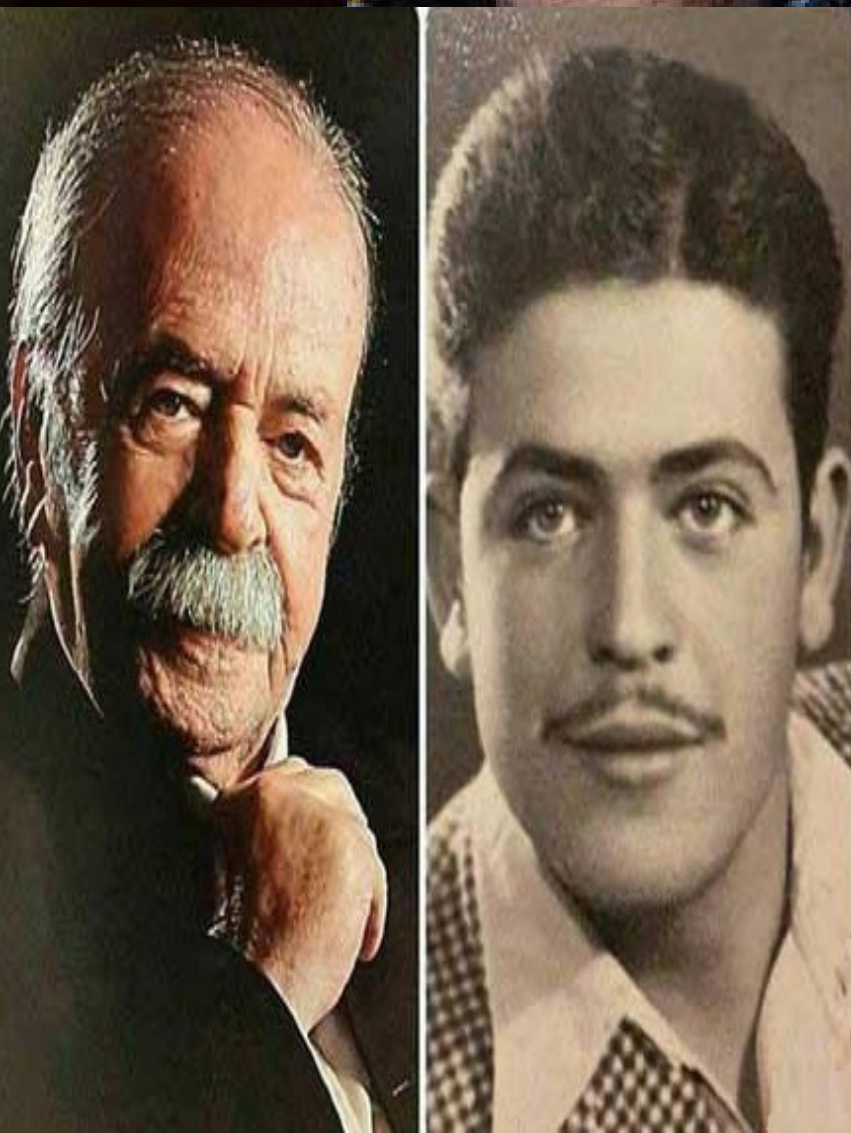
فیلمی از: داریوش مهرجویی



بیوگرافی زنده یاد استاد محمد علی کشاورز

محمدعلی کشاورز فارغ‌التحصیل هنرستان هنرپیشگی تهران و دانشکده هنرهای دراماتیک بود. او از فارغ التحصیلان رشته نقشه‌برداری نیز بود و مجری‌گری برخی برنامه‌های مربوط به نقشه‌برداری در صدا و سیما به عهده وی بوده‌است. محمدعلی کشاورز یک‌بار در دانشکده پزشکی نیز پذیرفته شد. اما به دلیل علاقه زیادی که به بازیگری داشت از تحصیل در این رشته انصراف داد و به بازیگری پرداخت. نخستین کار هنری محمدعلی کشاورز بازی در تله‌تئاتر «خودکشی» به کارگردانی علی نصیریان در سال ۱۳۳۹ بود. سپس در نمایش‌هایی همچون ویولن‌ساز کره‌مونا، آنتیگون، آندورا، ادیپوس شهریار، بازی استریندبرگ بازی کرد. کشاورز با فیلم‌سازان نامداری چون فرخ غفاری، ابراهیم گلستان، والریو زورلینی، بهرام بیضایی، ناصر تقوایی، نادر ابراهیمی، علی حاتمی، داریوش مهرجویی، و عباس کیارستمی همکاری کرده‌است و با بازیگرانی غیرایرانی چون آنتونی کوئین، و ماکس فون سیدو همبازی بوده‌است.

محمدعلی کشاورز (زاده ۲۶ فروردین ۱۳۰۹ در اصفهان - درگذشته ۲۵ خرداد ۱۳۹۹ در تهران) بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون ایران بود. او دارای نشان درجه یک فرهنگ و هنر بود. از محمدعلی کشاورز، در کنار داوود رشیدی، عزت‌الله انتظامی، جمشید مشایخی و علی نصیریان به سبب تأثیرشان در فیلم‌های ایرانی به عنوان پنج بازیگر مرد ماندگار تاریخ تئاتر، سینما و تلویزیون ایران یاد می‌شود. این هنرمند بر اثر نارسایی کلیه در سن ۹۰ سالگی درگذشت. او همچنین ژنرال بازنشسته ارتش شاهنشاهی بود. محمدعلی کشاورز در محله سیچان اصفهان زاده شد. او فرزند دوم خانواده بود. خاندان وی اصالتاً از گرجی تبارانی بوده که در زمان شاه عباس به ایران آمده و مسلمان شد. نام خانوادگی پیشین او، «اصلانی» بوده‌است؛ خاندانی که اکنون بخش قابل توجهی از جمعیت گرجیان اصفهان و فریدون‌شهر را تشکیل می‌دهند. وی یک بار ازدواج نمود که در سال ۱۳۵۲ این ازدواج به جدایی انجامید و پس از آن دیگر ازدواج نکرد. نتیجه این ازدواج دختر وی به نام «نلی» است که در بلژیک زندگی و نقاشی تدریس می‌کند.



محمدعلی کشاورز در سال ۱۳۴۷ به تلویزیون رفت و کارگردانی هنری قسمت‌هایی از سریال خانهٔ قمر خانم را به عهده گرفت. از آثار ماندگار وی می‌توان به مجموعه‌های تلویزیونی دایی‌جان ناپلئون، آتش بدون دود، هزاردستان (در نقش شعبان استخوانی)، سربداران (در نقش خواجه قشیری)، افسانه سلطان و شبان (در نقش خواب‌گزار اعظم)، پدرسالار، و گرگ‌ها اشاره کرد. محمدعلی کشاورز برای نخستین‌بار در سال ۱۳۴۳ با فیلم شب قوزی ساخته فرخ غفاری بازیگری سینما را نیز تجربه کرد و تا سال ۱۳۸۷ (خورشیدی) در ۴۷ فیلم سینمایی ایفای نقش کرده‌است. از جمله کارهای قابل توجه او می‌توان به رگبار، خشت و آینه، برزخی‌ها، کمال‌الملک، مردی که موش شد، کفش‌های میرزا نوروز، مادر، جستجو در جزیره، ناصرالدین‌شاه آکتور سینما، دلشدگان، آقای بخشدار، زیر درختان زیتون، روز واقعه، و کمیتہ مجازات اشاره کرد. کشاورز برای بازی در فیلم مادر ساخته علی حامی نامزد دریافت سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد شد. محمدعلی کشاورز، ۳ خرداد ۱۳۹۹ بر اثر مشکل کلیه در بیمارستان آتیه بستری شد و در ۲۵ خرداد ۱۳۹۹ بر اثر نارسایی کلیه، در سن ۹۰ سالگی درگذشت. پیکر مرحوم در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۹۹ در قطعه هنرمندان بهشت زهرا به خاک سپرده شد.



برگزاری جشنواره نمایشنامه خوانی با
نمایش در مرکز واحد ۱۱







آشنایی با گریمرهای معروف سینمای ایران

اهمیت صنعت گریم و چهره پردازی در دنیای هنر به حدی زیاد است که باعث دیده شدن یا نشدن یک اثر میشود. خوشبختانه سینمای ما در زمینه گریم و چهره پردازی بسیار موفق عمل کرده و گریمرهای مشهوری در این صنعت فعالیت میکنند.

عبدالله اسکندری یکی از نام های آشنا در صنعت گریم است که اثرهای ماندگاری از او در سینما و تلویزیون وجود دارد اما اگر بخواهیم از برترین گریمرهای ایران نام ببریم باید نامی از جلال معیریان، بیژن محتشم، مجید اسکندری، مهری شیرازی، ایمان امیدواری و مهین نویدی تنها بانوی برنده سیمرغ بلورین بهترین چهره پردازی ببریم.

برترین گریمرهای ایرانی در دنیای هنر

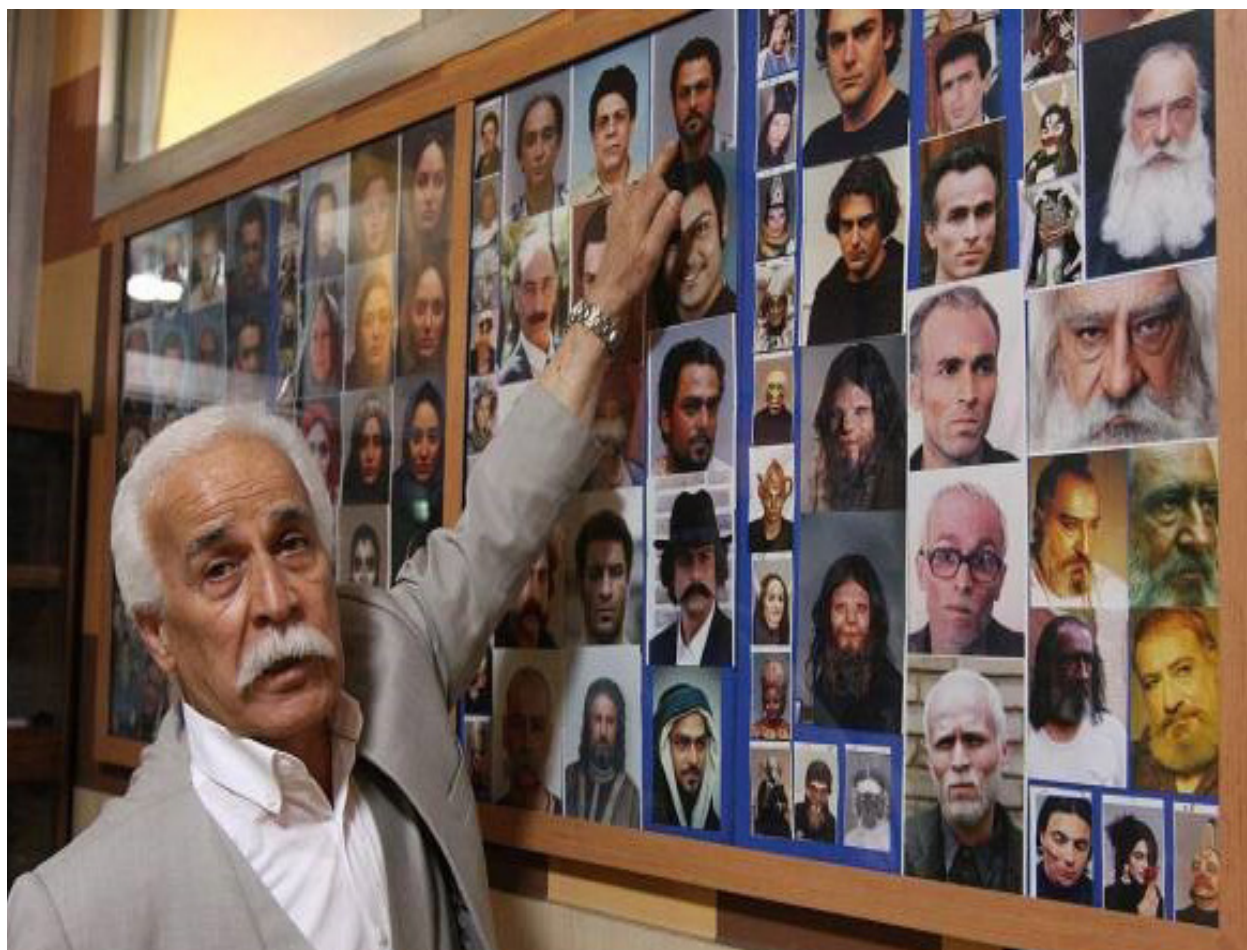
عبدالله اسکندری

اگر بخواهیم لیستی از بهترین گریمرهای ایرانی تهیه کنیم قطعاً باید نام عبدالله اسکندری را در صدر این لیست قرار بدهیم. عبدالله اسکندری از برترین های صنعت گریم در ایران است که چندین بار سیمرغ بلورین بهترین چهره پردازی در جشنواره فیلم فجر را دریافت کرد. عبدالله اسکندری برای فیلم های مادر ساخته علی حاتمی، ناصردین شاه اکتور سینما به کارگردانی محسن مخملباف، بلندی های صفر ساخته فلاح لیالستانی، آخرین بندر به کارگردانی حسن هدایت، روز واقعه ساخته شهرام اسدی و ساحره به کارگردانی داوود میرباقری برنده سیمرغ بلورین این رشته شده است. عبدالله اسکندری چهره پردازی را از سال ۵۱ زیر نظر بیژن محتشم آغاز کرد و چهره پردازی فیلم و سریال های زیادی را برعهده داشته است و گریم های ماندگاری از او در دنیای هنر وجود دارد که از جمله آنها میتوان به گریم ماندگار اکبر عیدی در آدم برفی، دزد عروسک ها مادر، گریم متفاوت و ماندگار محسن تنابنده در شاهگوش، گریم مصطفی زمانی در پریناز، محمود بصیری در فیلم دستفروش، مهدی فقیه در ملک سلیمان و ... اشاره کرد.



جلال معیریان

جلال معیریان طراح گریم و چهره پرداز مشهور ایرانی فعالیت در سینما را از سال ۴۹ با فیلم آرامش در حضور دیگران ساخته ناصر تقوایی آغاز کرد و پس از آن در فیلم و سریال های زیادی به عنوان گریمور و چهره پرداز حضور داشت جلال معیریان از برترین گریمورهای ایرانی است که سه بار توانست سیمرغ بلورین بهترین بازیگر را از آن خود کند. این چهره پرداز موفق برای فیلم های سرب به کارگردانی مسعود کیمیایی، غزال ساخته مجید راعی و توفان شن به کارگردانی جواد شمقدری سیمرغ بلورین جشنواره فجر در دوره های مختلف را دریافت کرد. جلال معیریان چهره پردازی آثار زیادی را برعهده داشته است که از برترین های آن میتوان به گریم مهدی فخیم زاده در مسافران آفتاب ، گریم عبدالرضا اکبری در فرزند صبح اشاره کرد. جلال معیریان از برترین گریمورهای ایرانی است که سه بار توانست سیمرغ بلورین بهترین بازیگر را از آن خود کند. این چهره پرداز موفق برای فیلم های سرب به کارگردانی مسعود کیمیایی ، غزال ساخته مجید راعی و توفان شن به کارگردانی جواد شمقدری سیمرغ بلورین جشنواره فجر در دوره های مختلف را دریافت کرد. جلال معیریان چهره پردازی آثار زیادی را برعهده داشته است که از برترین های آن میتوان به گریم مهدی فخیم زاده در مسافران آفتاب ، گریم عبدالرضا اکبری در فرزند صبح اشاره کرد.



اخبار سینمایی مرکز علمی کاربردی واحد ۱۱

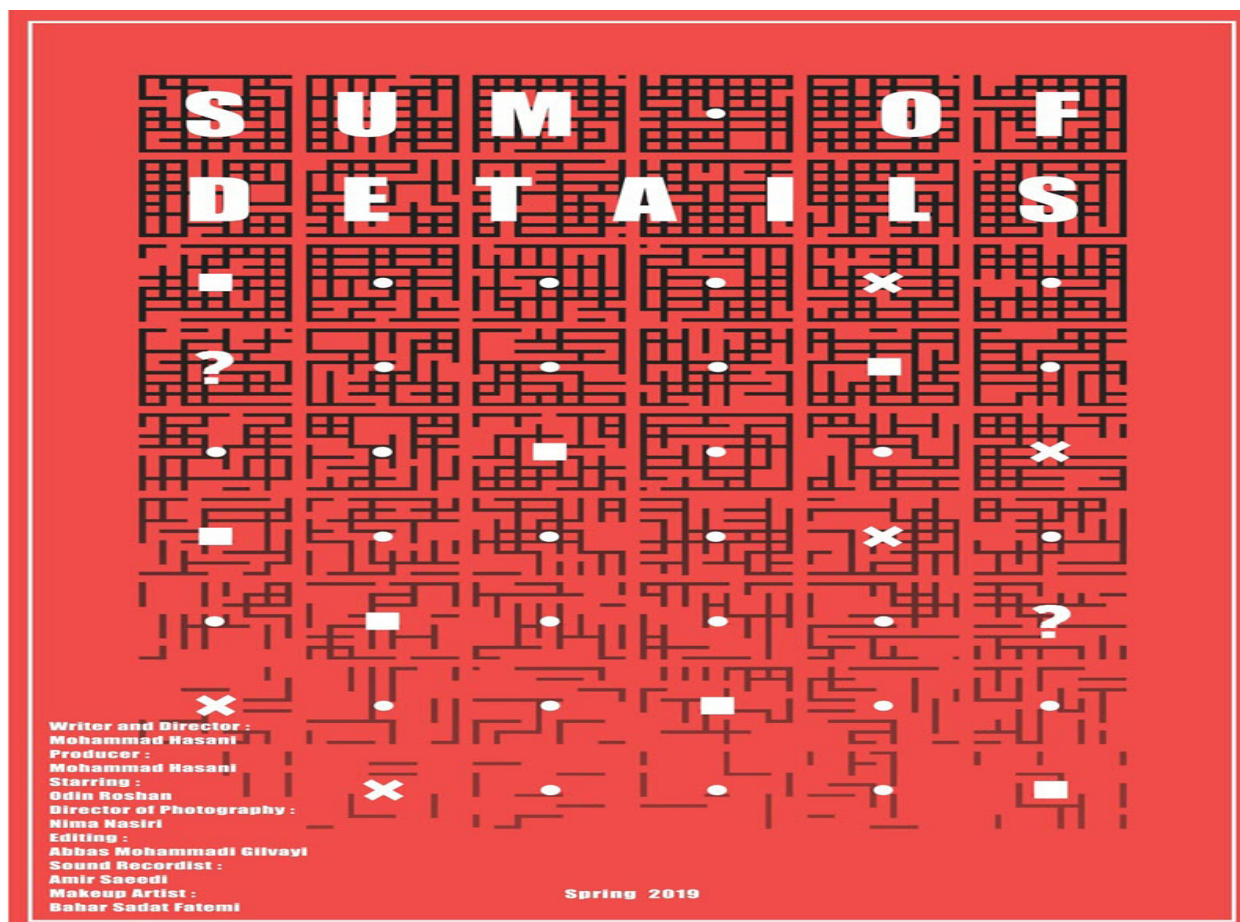
جایزه ویژه هیئت داوران جشنواره رُتاری ترکیه به فیلم کوتاه به نویسندگی و کارگردانی محمدرضا گلپور دانش آموخته کارگردانی مرکز ۱۱ تهران رسید





فیلم «آشو» به کارگردانی جعفر نجفی عضو فعال انجمن فیلم سازی مرکز آموزش علمی کاربردی فرهنگ و هنر ۱۱ تهران در بخش رقابتی هفدهمین دوره جشنواره فیلمهای مستند بیگ اسکای آمریکا به نمایش درآمد.

اودین روشن عضو انجمن علمی دانشجویی رشته بازیگری مرکز آموزش علمی کاربردی واحد ۱۱ تهران، برای بازی در فیلم کوتاه جمع جزئیات به کارگردانی محمد حسنی فارغ التحصیل رشته کارگردانی مرکز ۱۱ تهران، جایزه ی بهترین بازیگری جشنواره ی دیاموند ایتالیا را دریافت کرد.



فیلم های کوتاه «ستین» و «زنگ ها» به کارگردانی اصغر عباسی دانش آموخته رشته کارگردانی مرکز علمی کاربردی فرهنگ و هنر واحد ۱۱ تهران در ادامه اکران جهانی خود به فستیوال فیلم کالیفورنیا آمریکا راه یافت. این فستیوال که پنجمین دوره خود را با شعار به جای جنگ، هنر بساز برگزار می کند بصورت اختصاصی برای حمایت از آثار هنری از سراسر جهان در زمینه های مختلف سینما و تلویزیون برگزار می گردد.



